

**اشارات، تلمیحات و اعلام
در دیوان همام تبریزی**

دکتر حبیب جدیدالاسلامی - رضا دهمرده

www.ketab.ir

سرشناسه	: جدیدالاسلامی، حبیب، ۱۳۳۳-
عنوان و نام پدیدآور	: اشارات، تلمیحات و اعلام در دیوان همای تبریزی/ حبیب جدیدالاسلامی، رضا دهمرده.
مشخصات نشر	: زاهدان: تفتان، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۲۲-۰۴-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: نمایه
موضوع	: همای، محمد بن فریدون، ۶۴۳۶ - ۷۱۴ ق. دیوان — نقد و تفسیر
موضوع	: شعر فارسی — قرن ۷ ق. — تاریخ و نقد
شناسه افزوده	: دهمرده، رضا، ۱۳۴۴-
شناسه افزوده	: همای محمد بن فریدون، ۶۴۳۶ - ۷۱۴ ق. دیوان. شرح
رده بندی کنگره	: PIR ۵۳۲۱ ۱۳۹۲ ۹۰۸۳ /د
رده بندی دیویی	: ۸۶۱ /۳۱۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۴۶۴۳۷

انتشارات تفتان

عنوان: اشارات، تلمیحات و اعلام در دیوان همای تبریزی
مولفان: دکتر حبیب جدیدالاسلامی - رضا دهمرده
چاپ اول: ۱۳۹۲

طراح جلد: مهدی رخشانی - (کانون تبلیغاتی باران ۳۲۱۱۱۷۹)

طراح صفحات: عصمت گلزار

لیتوگرافی چاپ و صحافی: نیزار

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۲۳۸ صفحه

ارزش: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۲۲-۰۴-۱

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹.....	مقدمه
فصل اول: تعریفات و کلیات	
۲۷.....	اشاره
۲۷.....	انواع تلمیح
۲۸.....	اسطوره
۲۹.....	اقتباس
فصل دوم: آیات قرآن و احادیث در اشعار همام تبریزی	
۳۳.....	آیات
۳۳.....	أَلَسْتُ
۳۵.....	أَنَا خَيْرٌ
۳۶.....	إِنْ يَكَادُ
۳۶.....	أَسْرَى بَعِيدِهِ
۳۷.....	قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ
۳۹.....	الله هو لا اله الا الله
۴۰.....	احسن تقویم
۴۲.....	باکره آبستن گشتن
۴۴.....	باطل شدن صدقه ای که همراه من و آذی است
۴۶.....	بشیر و نذیر
۴۷.....	ثانی اثنین اذهما فی الغار

۴۸.....	جَنَّةُ الْمَأْوَى.....
۴۹.....	جاهدوا فینا.....
۵۱.....	خُلِقَ عَظِيمٌ.....
۵۲.....	دَنَى قَتَدَلَى.....
۵۴.....	ربنا.....
۵۷.....	رحمة للعالمین.....
۵۸.....	زلزال.....
۵۹.....	سدرۃ المنتهی.....
۶۱.....	سوگند یاد کردن به مکہ.....
۶۱.....	شب قدر.....
۶۲.....	قلم.....
۶۳.....	قیامت.....
۶۴.....	کالانعام.....
۶۵.....	کعبه.....
۶۸.....	کوثر.....
۷۰.....	لاخیر فی صوتِ الحمیر.....
۷۰.....	لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ.....
۷۱.....	ما اوحی.....
۷۲.....	مروه.....
۷۳.....	من و سلوی.....
۷۶.....	واللَّیْلِ وَالضُّحَى.....
۷۶.....	يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ.....
۷۸.....	یوم الحساب.....
۷۹.....	احادیث.....
۷۹.....	اصحابی کالنجوم.....
۸۰.....	طوبی.....

۸۱.....	لا احصى ثناء.....
۸۲.....	لولای.....
۸۲.....	نور رسول اکرم (ص) اولین نور خلق شده.....

فصل سوم: قصص قرآنی و حدیثی در اشعار همام تبریزی

۸۷.....	آب حیات.....
۹۰.....	ظلمات.....
۹۰.....	چشمه حیوان.....
۹۱.....	آب حیوان و اسکندر.....
۹۳.....	ارم.....
۹۴.....	بهشت.....
۹۶.....	پیرمیر شدن پستان خشک با دعای رسول اکرم (ص).....
۹۸.....	تسنیم.....
۹۹.....	دو زخ.....
۱۰۰.....	روان شدن آب از انگشت پیامبر (ص).....
۱۰۲.....	طیبه.....
۱۰۳.....	مسجد الاقصی.....
۱۰۴.....	معراج رسول اکرم (ص).....
۱۰۶.....	تسبیح سنگ ریزه با معجزه پیامبر (ص).....

فصل چهارم: پیامبران، امامان و اصحاب

۱۱۱.....	الف - پیامبران.....
۱۱۱.....	آدم.....
۱۱۶.....	ابراهیم، (خلیل الله).....
۱۱۸.....	سلیمان.....

۱۳۰	عیسی (علیه السلام)
۱۴۲	محمد (ص)
۱۵۵	موسی (علیه السلام)
۱۸۱	یوسف
۱۹۱	ب: امامان
۱۹۱	امام علی (علیه السلام)
۱۹۸	امام حسین (علیه السلام)
۲۰۰	ج: اصحاب
۲۰۰	اویس قرنی
۲۰۱	حسن (ابن ثابت)
۲۰۲	حضرت حمزه (عم پیامبر ص)
۲۰۵	سلمان

فصل پنجم: اعلام اساطیری

۲۱۱	آب حیات در ظلمات
۲۱۱	آب حیوان
۲۱۲	آب زندگانی
۲۱۳	بهمن (پسر اسفندیار)
۲۱۵	جمشید
۲۱۸	رستم
۲۲۲	فریدون
۲۲۳	کیخسرو
۲۲۴	قاف
۲۲۷	فهرست آیات قرآن
۲۳۱	فهرست منابع



مقدمه

خواجه همام الدین علاء تبریزی از شعرا و سخنگویان نامدار آذربایجان است که به سال ۶۳۶ ه. در تبریز به دنیا آمده است. وی از دوستان نزدیک خواجه شمس الدین جوینی و از ندیمان او بود. همام زاویه ای در تبریز داشت و در آن به ارشاد سافکان می پرداخت. او مدتی به کارهای دیوانی مشغول شد و حتی به تصدی وزارت آذربایجان رسید. اما این کارها او را از امور معنوی باز نداشت. همام در فنون ادب از قبیل شعر و انشای فارسی و عربی و محاوره و حسن خط از بزرگان زمان خود بود. معلوم نیست که همام در تصوف از کدام مشایخ فیض یافته است. مشهور است که وی از خواجه نصیرالدین طوسی کسب علم کرده است و از اقران قطب الدین شیرازی بود و قطب الدین مفتاح المفتاح را به خواهش او تألیف کرده است. شرف الدین هارون، و پسرش شمس الدین صاحب دیوان نیز که به سال ۶۸۵ ه. به امر ارغون به قتل رسید، از معاصران و نزدیکان همام است. و همام مثنوی صحبت نامه را به نام وی سروده است.

همام به سعدی اراداتی خاص دارد و گویا سعدی در تبریز همام را دیده است. بعضی از غزل های همام به تقلید از سعدی است. مرگ همام در سال ۷۱۴ هجری در تبریز روی داده است. و خواجه رشید الدین فضل الله بعد از مرگ همام، اشعار پراکنده ای او را جمع آوری کرده و مقدمه ای بر آن دیوان نوشته است. مسلماً این کار بین سالهای ۷۱۴-۷۱۸ ه. که سال قتل رشید الدین است، انجام گرفته است. دیوان خواجه همام قریب دو هزار بیت دارد، مشتمل بر اشعار فارسی و عربی در



قالب قطعه، مثنوی، قصیده، غزل و رباعی.

دو مثنوی در آن جای دارد. مثنوی است بر وزن حدیقه ی سنایی (فاعلاتن مفاعیلن فعْلن) در پانصد بیت، و دیگر مثنوی است در بحر هزج مسدس مقصور یا محذوف (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن یا فَعُولن) در سیصد بیت که به نام هارون پسر شمس الدین جوینی تالیف کرده است

لقب - چنان که از نوشته ابن الفوطی بر می آید لقب همام «همام الدین» بوده است و در جاهای دیگر نیز او را به همین نام یاد کرده اند و گاهی القاب دیگر نیز بدان افزوده اند. اما باید دانست که لقب «همام الدین» یا «همام» غالباً با عنوان «مولانا» همراه بوده است ولی پس از آن که دولتشاه در تذکره خود «خواجه» را نیز بدان افزوده، دیگر تذکره نویسان او را بیشتر با عنوان «خواجه» یاد کرده اند.

تخلص - تخلص او چنان که در مقطع غزلها و در برخی از اشعارش آمده «همام» است.

۳- زادگاه

در منابع موجود از زادگاه همام ذکری نشده و در اشعار او نیز اشاره یی بدان نرفته است ولی در تبریزی بودن او تردیدی نیست زیرا گذشته از آن که در غالب منابع او را «تبریزی» یاد کرده اند، حافظ حسین کربلایی در «روضات الجنان» او را نیز به صراحت از بزرگان «تبریزی الاصل» می شمارد

همام علاقه یی فراوان به تبریز داشته و رباعی را که در هجو تبریزیان گفته اند پاسخ داده است.



۵- وفات

تا ریخ وفات همام را احمد بن محمد بن یحیی معروف به «فصیح خوافی» در ذیل حوادث سال ۷۱۴ چنین یاد کرده است: «وفات مولانا الامام همام الدین التبریزی الشاعر فی خامس عشرین صفر که پیر و معمر بود صد و شانزده سال از عمر او گذشته در تبریز به همام رفت و برتخته یی که بر بالای آخر گرم بود بنشست او را غشی آمد و در آخر گرم افتاد چون بیرون آوردند وفات کرده بود و محری شده». دولتشاه سمرقندی گوید: «و در شهر سنه ثلاث عشر و سبعمائه وفات یافت». حافظ حسین کربلایی تبریزی که منبعش «تذکره الشعرا» بوده می نویسد: «وفات خواجه همام رحمه الله فی شهر سنه ثلاث عشر و سبعمائه در ایام سلطنت اولجایتو خان سلطنت محمد خدا بنده بود»

بیست پنجم ز صفر روز دوشنبه گه صبح

هفصد و چارده هجری شده (ه) از دور زمان

افضل عصر همام الدین زین خاک کهن

رخست بر بست سفر کرد سوی صدر جنان

۹- عرفان

در مقدمه دیوان آمده است: «مولانای سعید- قدس الله روحه- از جمله افراد روزگار و آحاد اوتاد ادوار بود، از بستان علوم ظاهر ثمرات ایقان چیده و از پستان مواجید لبان اذواق عرفان مکیده». دولتشاه سمرقندی او را با اوصاف «مفخر العرفا» و «عارف و صاحب دل» یاد کرده است. حافظ حسین کربلایی گوید: «با وجود

فضایل ظاهری از باطن صافیۀ صوفیان صافی دل مستعد و مستفیض بوده، گویا ارادت وی با حضرت شیخ حسن بلغاری قدس الله تعالی سرّه- درست گشته بوده». در این که همام طریق عرفان می سپرده است تردیدی نیست. گذشته از مطالب مزبور می دانیم که خواجه شمس الدین محمد جوینی، صاحب دیوان، برای اداره امور خانقاه وی سالیانه مبلغ یک هزار دینار مقرر تعیین کرده بوده و این خانقاه در زمان تالیف تذکره الشعرا (سال ۸۹۲- هـ ق.) در تبریز معین بوده است.

حافظ حسین کربلایی اگر چه در جایی ارادت همام را نسبت به شیخ حسن بلغاری با احتیاط یاد کرده ولی در جایی دیگر نوشته است: «وقتی که حضرت شیخ (حسن بلغاری) به شهر تبریز نزل احوال فرموده بودند جمیع اعیان و اکابر و علما و فضلاء شهر تقرب به حضرت شیخ جستند و مولانای اعظم قدوة المفسرین، افتخار المحدثین، عمده الموحدین، عذة الملّة والدین که قدوة علمای آن شهر بود و برگزیده دهر به تشریف قبول و ارادت شیخ مشرف گشت و همچنین مولانا همام الدین و مولانا حاجی امین الدین باله و جمیع مسایخ و علما آمدند به تشریف ارادت شیخ مشرف شدند» اما صاحب تذکره «صحف ابراهیم» می گوید که همام پس از بازگشت از مکه معظمه «از منصب و مال اعراض کلی نمود و مرید شیخ سعید فرغانی شد».

با آن که در آثار همام اشاره یی به ارادت وی نسبت به شیخ حسن بلغاری یا شیخ سعید فرغانی دیده نمی شود ولی با توجه به این که روضات الجنان بیش از دو قرن پیشتر از صحف ابراهیم تالیف شده می توان گفتار حافظ حسین را نزدیک به صحت دانست.



۱۲- مقام و شخصیت همام

مولانا همام الدین تبریزی با آن که پس از «قطران» بزرگترین شاعر تبریز محسوب می‌گردد ولی باید دانست که وی در روزگار خود از گروه علما و عرفا به شمار می‌آمده و جنبه علم و عرفان وی بر هنر شاعری غالب بوده است. تصور می‌رود برای نشان دادن عظمت مقام و میزان شخصیت وی ذکر چند مدرک متقن از هر گواهی بسنده تر و از هر گفتاری رساتر می‌باشد. از پرتو این مدارک نه تنها پایگاه علمی و عرفانی همام روشن می‌گردد بلکه به کمال وضوح معلوم می‌شود که وی در نزد بزرگان زمان خود مقامی بس ارجمند داشته و از نهایت احترام و تکریم آنان برخوردار بوده است.

«ادرار نامه» یی که خواجه شمس الدین محمد جوینی، صاحب دیوان، خود نوشته و سالیانه یک هزار دینار برای خانقاه همام مقرر داشته است. این «ادرار نامه» در مجموعه یی که حاوی منشأاتی از عهد سلجوقیان و خوارزمشاهیان و اوایل عهده مغول است بازمانده است.

من انشاء شمس الحق والدین - طاب ثراه - باسم

الف - شاعران پیشین

۱- سنایی غزنوی (م. ۵۳۵ ه. ق)، همام مثنوی دارد در ۵۵۸ بیت که نه تنها بر وزن «حدیقه الحقیقه» سنایی ست بلکه بیشتر مطالب آن مقتبس از آن کتاب است و در قسمت توحید بیتی را از حدیقه عیناً آورده و در بیت پیش از آن سنایی را با وصف «بی نظیر جهان» ستوده است:

زین نمط نیک کرده است بیان
 به یکی بیت بی نظیر جهان
 لا و هو زان سرای روز بهی
 بازگشتند جیب و کیسه تهی

بیت اخیر از حدیقه سنایی ست.

همچنین در سرودن یکی از قصاید خود به مطلع:

گرچه داری برگ بی برگی مزین لاف ای فقیر

حال خود گوید که هستی بی نظر یا بی نظیر

به این قصیده سنایی:

ای سنایی جهد کن تاپیش سلطان ضمیر از گریبان تاج سازی وزین دامن سریر

توجه داشته است. گذشته از آن وزن و قافیه هر دو قصیده یکی ست وحدت

تقریبی موضوع هر دو قصیده نماینده کامل تأثیر همام از سنایی ست و مقایسه دو

بیت زیر خالی از فایده نیست:

سنایی:

نرم دار آواز بر انسان چو انسان زان که حق

انکراالصوات خواند اندرنبی صوت الحمیر

همام:

در سخن گفتن گرت باشد فواید نرم گو

بانگ بی حاصل مکن لاخیر فی صوت الحمیر



این را هم باید گفت که مقطع قصیده هُمام یادآور مطلع قصیده یی دیگر از سنایی است:
 برگ بی برگِ نداری لاف درویشی مزین

رخ چو عیاران نداری جان چو نامردان مکن
 ۲- انوری ابیوردی (م. ۵۸۱ یا ۵۸۶ ه. ق) در میان غزلهای هُمام غزلی است که از لحاظ وزن و قافیه (با اندک تفاوتی) و ردیف همانند یکی از غزلهای انوری است شباهت مضامین این دو غزل آن چنان است که بدون تردید باید گفت همام در سرودن این غزل خود به غزل انوری نظر داشته است. مقایسه چند بیت این مدعا را تأیید می کند:

انوری:

مهرت به دل و به جان دریغ است

عشقی تو به این و آن دریغ است

همام:

رویت به هر انجمن دریغ است

سرو تو به هر چمن دریغ است

انوری:

با کس بمگوی نام تو چیست

کان نام به هر زبان دریغ است

همام:

کس را نرسد حدیث آن لب

کان خود به زبان من دریغ است



۳- نظامی گنجوی (م. ۶۱۴ ه. ق.)، همام غزلی دارد به مطلع:

ما گر چه ز خدمت جداییم

تا ظن نبری که بی وفاییم

و در پایان آن گوید:

این بیت ز گفته نظامی

گوییم وز دیده خون گشاییم

آیا تو کجا و ما کجاییم

تو آن که ای ما تو راییم

بیت اخیر از منظومه «لیلی و مجنون» نظامی ست.

ب- شاعران معاصر

۱- قطب الدین عتیقی تبریزی (م. ۶۷۵ ه. ق.)، وی همشهری همام است و ظاهراً

رابطه یی میان آن دو برقرار بوده است.

قطب الدین این رباعی را برای همام فرستاده:

تا چند بود دل به ریا پروردن

دریاده نهم سرپس ازین تاگردن

تا تو برهی ز غیبت من کردن

من باز رهم زیاده پنهان خوردن

و همام آن را چنین جواب گفته است:



ای عادت تو به باده جان پروردن

می خور که ملامت نخواهم کردن

می چون به لب زرسد ز شرم آب شود

پس باده تو را حلال باشد خوردن

۲- سعدی شیرازی (م. ۶۹۲ ه. ق.). همام بیش از هر شاعر دیگر از سعدی تأثر پذیرفته است. به جرأت می توان گفت که کمال سبک همام بستگی به تتبع از غزلهای سعدی دارد و پیروی از شیوه اوست که غزلهای همام را حلاوت و شیرینی بخشیده است.

اگر چه عروس سخن سعدی در حد کمال بود و هر صاحب نظری به یک نگاه دل می باخت ولی شیفتگی همام به غزلهای سعدی گذشته از دل انگیزی آنها آبشخوری دیگر داشت. مسلماً کیفیت برخورد شاعری با آثار شاعری دیگر در میزان تأثر او از آن آثار بستگی دارد. چگونگی تلاقی همام با آثار سعدی با برخورد او با آثار دیگر شاعران بسی متفاوت است.

تأثرات همام را از سعدی می توان بدین ترتیب خلاصه کرد:

قسمت اول، تأثراتی که اساس و بنیاد سبک همام محسوب می شود یعنی بی آن که شباهتی ظاهری و مضمونی میان غزل های همام و سعدی باشد بیان شیرین و دلاویز سعدی را از زبان همام می شنویم.

قسمت دوم تأثراتی ست که به یاری اتحاد وزن و قافیه می توان مورد مطالعه قرار داد و در این مطالعه مضامینی که در گفتار همام مؤثر واقع شده خود به خود



جلوه گر می شود. این قسمت از تأثرات همام نیز خود بر دو گونه است:

نوع اول غزلهایی ست که همام در سرودن آنها هم از لحاظ وزن و قافیه و هم از لحاظ مضمون برخی از ابیات از سعدی متأثر شده است. برای نمونه و روشن شدن مطلب غزلی را از همام با غزلی از سعدی که هر دو دارای وزن و قافیه متحدند مقایسه می کنیم در هر یک از این دو غزل مضمون دو بیت شباهت کامل به هم دارند و تأثر همام روشن تر دیده می شود.

سعدی:

من چه در پای تو ویزم که خورای تو بود

سرنه چیزی ست که شایسته پای تو بود

همام:

هوس عمر عزیزم ز برای تو بود

بکشم جور جهانی چو رضای تو بود

درین دو غزل علاوه بر اتحاد وزن و قافیه مضامین دو بیت زیر قابل توجه است:

سعدی:

به وفای تو که گر خشت زنند از گل من

همچنان در دل من مهر وفای تو بود

همام:

در ازل جان مرا عشق تو هم صحبت بود

تا ابد در دل من مهر و وفای تو بود



سعدی:

ملک دنیا همه با همّت سعدی هیچ است
پادشاهیش همین بس که گدای تو بود

همام:

جای افسر شود آن سر که به پای تو رسد
پادشاهی کند آنکس که گدای تو بود
اتّفاقا در همین غزل همام بیتی هست که بنا به نوشته مرحوم فروغی در حاشیه
کلیات سعدی، در بعضی از نسخی که در اختیار او بوده ضمن غزلهای سعدی ضبط
شده بوده و آن بیت این است:
سالها قبله صاحب نظران خواهد بود
بوزمینی که نشان کف پای تو بود

۲- نوع دوم غزلهایی ست که فقط در وزن و قافیه اتّحاد دارند و از نظر مضامین
مانندگی و شباهتی در آنها به چشم نمی خورد ولی پس از مطالعه هر دو غزل تأثیر
واحدی در خود احساس می کنیم برای نمونه این نوع تأثرات می توان دو غزل زیر
را که در وزن و قافیه برابرند با هم سنجید:

سعدی

فراق دوستانش باد و یاران
که ما را دور کرد از دوستان



دل‌م در بند تنهایی بفرسود

چو بلبل در قفس روز بهاران

هلاک ما چنان مهمل گرفتند

که قتل‌مور در پای سواران

به خیل هر که می‌آیم به زنهار

نمی‌بینم بسجز زنهار خواران

ندانستم که در پایان صحبت

چنین باشد وفای حق گزاران

به گنج شایگان افتاده بودم

ندانستم که بر گنج اند ماران

دلاگر دوستی داری به ناچار

بسیایند بردنت جور هزاران

خلاف شرط یاران است سعدی

که برگردند روز تیر باران

چه خوش باشد سری در پای یاری

به اخلاص و ارادت جان سپاران

همام:

خیالی بود و خوابی وصل یاران

شب مهتاب و فصل نو بهاران



میان باغ و یسار سرو بالا
 خرامان برکنار جویباران
 چمن می شد زعکس عارض او
 منور چون دل پرهیزگاران
 سرزلفش زباد نوبهاری
 چو احوال پریشان روزگاران
 گذشت آن نوبهار حسن و بگذشت
 دل و چشم میان برف و باران
 خداوندان هنوز امیدوارم
 بنده کام دل امیداران
 همام از نوبهار و سبزه و گل
 نمی بساید صفا بی یاران

۳- پوربهای جامی (م. بعد از ۶۹۹ ه. ق)، دولتشاه در بیان شرح پوربهای جامی
 گوید: «....وپوربها) به روزگار ارغون خان در ملازمت خواجه وجه الدین زنگی بن
 طاهر فریومدی به تبریز رفت وبا خواجه همام الدین مشاعره کرد.....»

امیر خسرو دهلوی (۷۲۵-۶۵۱ ه. ق)، وی آیین سعدی و همام را در غزل تمام
 می دانسته و در مثنوی «نه سپهر» چنین گفته است:

تا به جایی که حد پارسیان

اندر این عهد دو تن گشت عیان



زان یکی سعدی و ثنائیش همام

هر دو را در غزل آیین تمام

ج- شاعران بعد از او

۱- عبید زاکانی (م. ۷۲۲ ه. ق) در مثنوی «عشاق نامه» دو غزل از همام را به عین آورده است. نخستین از آنها غزل ملمّع همام است به مطلع:

بدیدم چشم مست رفتم از دست

گوان و بر دلی کویا نبی مست

که در اوایل آن مثنوی آمده و عبید پیش از نقل آن همام را به «استادی» یاد کرده و چنین گفته است:

ز اشعار همام این نظم دل سوز

ادا کن پیش آن ماه دل افروز

چو اینجا هست این ابیات در کار

ز استادان نباشد عاریت عار

بگو می گوید آن بی خواب و آرام

از آن ساعت که ناگاه از سربام

غزل دیگر که در اواخر همان مثنوی نقل شده مطلعش این است:

خیالی بود و خوابی وصل یاران

شب مهتاب و فصل نوبهاران



۲- حافظ شیرازی (م. ۷۹۲ ه. ق) شعری دارد شبیه یک بند از ترجیع بندی به مطلع:

ساقی اگسرت هوای ماهی

جزز باده میاره پیش ما شی

گذشته از آن که این شعر از لحاظ وزن و قافیه نظیر یکی از غزلهای همام است

به مطلع:

می آمدند و خلیق شهر در پی

وز شرم روان ز عارضش خوی

حافظ مطلع غزل همام را (با تغییر یک واژه) در دوبیت از همان شعر آورده است:

سلطان صفت آن بت پری روی

می آمدند و خلیق شهر در پی

مردم نگران به روی خوش

وز شرم گرفته عارضش خوی

همچنین حافظ مصراع اول این بیت همام را:

کسی به حسن و ملاححت به یار ما نرسد

کجاست یوسف مصری که تا کنم دعوی

به عین در این بیت خود آورده است:

اگر چه حسن فروشان به جلوه آمده اند

کسی به حسن و ملاححت به یار ما نرسد



۳- کمال خجندی (م. ۸۰۳. ه. ق) در قطعۀ زیر مصراعی را از همام با ذکر نام وی تضمین کرده است:

گفتم از مصر معانی بفرستم به تو باز

سخنی چند که آید به دهانت چو شکر

باز ترسیدم از این نکته که گویی چو همام

شکر از مصر به تبریز میارید دگر

www.ketab.ir